

وَيَابِعُ الْمُنْقَبَةِ

مهمای جدید

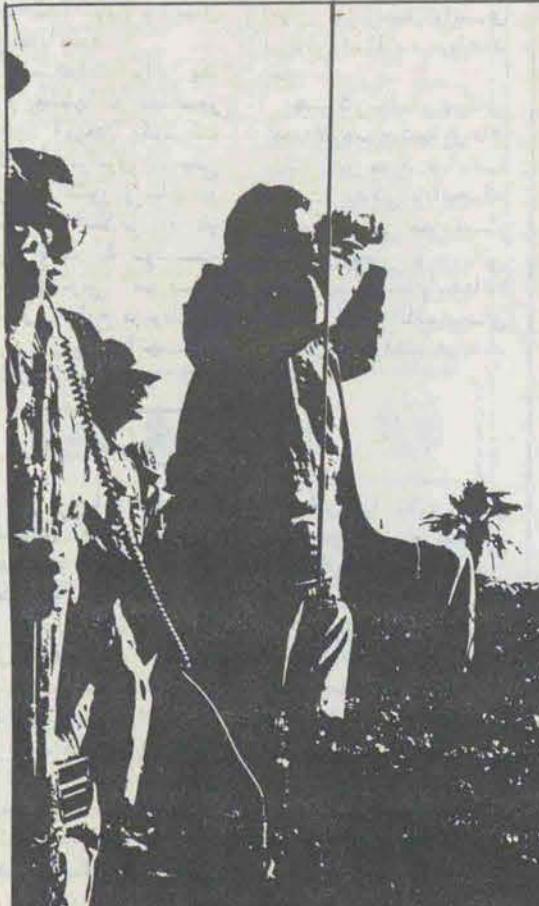
همانطوریکه خواهاران و برادران عزیز مطلعند
در حدود ۶ ماهی هست که وضع خبرنگاران خارجی
و ایقاً داخلی از نظر کسب خبر و مطلب خلی خوب
شده و دلیل آنهم اینست که در هفته اقلای دو
صاحبہ شخص و از پیش معلوم برای کسب اطلاع
دارند یکی مصاحبه هفتگی رئیس مجلس و دیگری
صاحبه هفتگی رئیس دیوانعالی کشور .
از جمله مطالی که در مصاحبه هفتگی اخیر
رئیس دیوان عالی کشور مورد سؤال قرار گرفته و
پاسخ داده شده ملاقات اخیر سفیر رومانی با ایشان
است .
”رئیس دیوان عالی کشور در زمینه مذاکره سفیر
رومانی با ایشان گفت : در این مذاکرات مسائل
مریبوط به کمکهایی که روابط اقتصادی میان دو کشور
مینوایند بوجود آورد مطرح شد با حفظ کامل استقلال
هر دو طرف . . . محور بحث همان روابط اقتصادی
رومانی با ایران بود“ (کیهان پنجشنبه ۲۵ دیماه)
و الله بعد از اینکه معماکی از مسافت رئیس -
دیوان عالی کشور و دبیر حزب جمهوری اسلامی
به اصفهان و عدم انتشار خبر آن در جراید و ایضاً
رادیو تلویزیون ”جمهوری اسلامی“ برای وقایع نگار
بوجود آمد ، مثل اینکه اینبار هم معماک جدیدی
برایش مطرح شده است و آن اینست که سفیر یک
کشور خارجی آیا باید با رئیس دیوان عالی کشور
برای بحث در ” روابط اقتصادی“ بین دو کشور
ملاقات و مذاکره کند ؟
وقایع نگار امیدوار است لاقل این معما به
سرنوشت ”معماک سفر“ دچار نشود و برایش را دخلی
پیدا بشود .

ييها الناس بيأئيد امضاءً كنيد
تا اعلام جرم كنיהם !!

ایهالناس بیائید امضا کنید نا اعلام جرم کنیم
خواهان و برادران عزیز در جریان هسید که
بحال تقریباً "کلید روشاهی تخریبی و نحطه آمیر
رد اسفاده برخی از کسان که فقط هدفان از میان
داشتن مخالفین شان میباشد، قرار گرفته است، اما
مدون احساس میکنند از راهچماق، زدویند....
راسته اند بجایی پرسند تارهبرین شکردادشان را هم
بدان آورده اند نا شاید فرجی حاصل آید، اما
عثت: و این روش هم همان جمع آوری امضا، برای
لام جرم های آنچنانی علیه روزنامه انقلاب اسلامی
ست.

قضایای مشهد را که بخاطر دارید که پس از
هرات پرسنل لشکر ۷۷ خرسان به طوفداری از
بس جمهور ف انتشار در روزنامه، دایره سیاسی -
شیوه زیکان لشکر منتهی در تکذیب مطالب روزنامه
شار داد، اما جالب است که این قضیه طرف سومی
م "استاندار خراسان" هم پیدا کرد و ایضاً
لام جرمی . اینکه ایشان در چه رابطه ای این
روزنکذیب نموده و برایش تکذیبیه صادر کردند
ند، چون در ظاهر قضیه که هیچ ربطی میان
ستاندار و نظاهرات پرسنل لشکر ۷۷ پس از
ضرر ایشان رئیس دیوان عالی کشور به جسم نمیخورد !

در جای دیگر وقفي ۱۰۰۰ نفر از اعضای خانواده
ی شهدا و جنگزدگان که از اعمال نماینده بنیاد
بیکد و وضع نایسaman محل سکونتشان و همینطور
سازمان رفاهی ناقص علیرغم تهاش نمام فیلمهای
در تلویزیون از هیله مردم یاک و صادق نقاط
تلف ایران برای این کار جمع آوری میشود، بتک
ده و به طرفداری از رئیس جمهور شان شعار میدهند، پس از
که با وجود این راحت چند خانواری که در انتشار
مطالب خنگا، "انقلاب اسلام" ، باعتراف کرده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رژیم سابق به اماکنی مثل موزه، بیمارستان، مدرسه
بارک وغیره تبدیل شود و با تعلیم و تربیت صحیح
کم کم زندان و زندانی دراین کشور باقی نماند. ولی
یکی از همکاران روزنامه که اخیراً از شهر رشت به
تهران آمده بود و چند ساعتی را دراین شهر "مهمان
اجباری" سپاه این شهر بوده است (ماجرای دستگیری
این همکار و آقای مبلغی اسلامی در روزنامه شبیه
حاب شده بود) میگفت که محل بازداشتگاه قبل از
ورزشگاه بوده و هنوز هم آثاری از وسایل ورزشی در
آنجا بخش مخورد است.

و قایع نگار که مدت‌ها بود کسادی بازار ورزش
ملکت ذهنش را مشغول کرده بود و جواب قانع-
کننده‌ای هم برای آن پیدا نمیکرد باشندگان این
خبر و خبرهای دیگری از این قبیل بدليل این کسادی
پی بردو لی از مسئولین ورزش درخواست میکند که
هر چند زودتر با ترتیب دادن مسابقات مختلف در محل
ورزشگاهها از بی استفاده ماندن آنها جلوگیری کنند
تا بلکه شاید از این راه جلو استفاده‌های دیگری از
این اماکن گرفته شود.

امام در دیدار با کارگران قاد و دست ماطوف شرق و غرب دراز است و ابسته هستیم

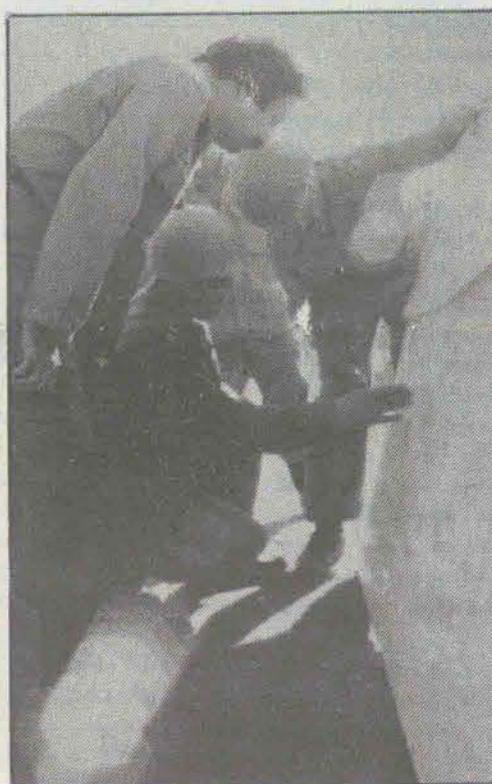
درست کردن آنها هم انسانهای یک سر و دو گوشی هستند که مثل سایر انسانها هستند. منتها قبل از ما بیدار شدند. و ما را خواب کردند قبل از اینکه صرف این کردند که با ایادی خودشان مستقیماً یا غیرمستقیم ما را غافل گند و ما را خواب گند و بما تزریق کند بد اینکه شما نمیتوانید، حتی تزریق کنند که شما نمیتوانید حکومت کنید شما نمیتوانید یک حکومت صحیح داشته باشد، شما نمیتوانید یک نظام صحیح داشته باشید، شما نمیتوانید یک صنعتی داشته باشید، اگر ما از این خواب بیدار شویم هرچه فریاد هم بزنیم فایده ندارد شعارها فایده ندارد و آن شعاری فایده دارد که از روی علم باشد و توحد. البته در یک انقلابی و در یکنهضتی اولش شعارها هست که این نهضت را به پیش میرد و اگر آن شعارها نباشد انقلاب نمیتواند پیش ببرد لکن بعد از اینکه انقلاب پیروز شد باید عمل کرد. باید توجه کرد با اینکه نباید ما همیشه دستمنان دراز باشد یک دستمنان طرف غرب دراز باشد و یک دستمنان طرف شرق دراز باشد تا این دو دست ما طرف شرق و غرب دراز است ما وابسته هستیم. ما که میخواهیم وابسته نباشیم باید اول بیدارشویم به اینکه ما خودمان هم شخصیت داریم ما نمیتوانیم کار انجام بدیم، شما دیدید که قبل از اینکه این نهضت و انقلاب حاصل بشود و کم شخصی بود، کم کسی بود که احتمال این را حتی بدهد که میشود برقدرتها بزرگ غلبه کرد آن هم یک ملتی که همه چیزش وابسته بوده و همه چیزش از آنچه آمده است و چیزی ندارد این یک مساله‌ای بود که باور کسی نمیآمد لکن شما دیدید که وقتی اراده کردید و ملت اراده کرد دنبالش شد وقتی ملت بیدار شد که نباید این ابرقدرتها در اینجا حکومت کنند و نباید وابستگان آنها در اینجا حکومت کنند با اینکه کمال قدرت را آنها آن وقت داشتند. در عین حال همین سروپ برخندهای بازار و کوچه و دانشگاه و جاهای دیگر قیام کردند و با وحدت کلمه و با بیداری دشمن را از صحنه بیرون کردند.

شویم از این خواب و تا توجه به این نکنیم که ما هم انسان هستیم، ما هم شخصیت داریم، ما هم ملت‌های بزرگ هستیم و مسلمین هم تقریباً یک میلیارد جمعیت با همه وسائل دارند تا این معنا را ما باورمان تباید نمی‌رویم دنبال کاریک جمعیتی اگر نشستند و دستشان را دراز کردند پیش جمعیت‌های دیگر که بدء بهماه تمام همشان این بود که هرچه میخواهند از خارج بیایند و بدهند به شما و ذخیر شما را از اینجا بربرنند در ازای آن چیزی که میدهند این ملت اگر یک میلیون سال هم زندگی بکنند همان حال اول است، تبلیغات دامنه‌داری که کردند و حالا هم بار میکنند بگوش شما باید برود و شما باید بیدار بشوید و از این خوابی که بیشتر از چند صد سال به ما تزریق کردند و ما را خواب کردند، اول قدم این است که ما بیدار بشویم بفهمیم که ما هم از جنس بشر هستیم و مالک دیگر و رژیمهای دیگر و نزادهای دیگر برتر نیستند از ما، منتها آنها با تبلیغاتشان ما را جوری کردند که همیشه دستمنان طرف غرب یا طرف شرق دراز باشد و هرچه میخواهیم از آنجا برای ما بیاید.

اگر ما بیدار بشویم که ما هم موجودی هستیم مثل سایر موجودات و ما هم انسانی هستیم مثل سایر انسانها و نزد ما هم نژادی است مثل سایر نزادها اگر این معنا را ما توجه به آن بکنیم و بفهمیم که ما باید خودمان برای خودمان وسائل کاریکنیم اگر فراهم کنیم خودمان برای خودمان کاریکنیم اگر دستمنان را از شرق و غرب کوتاه کنیم و خودمان مشغول فعالیت بشویم باد بگیریم لکن بعد ازیاد گرفتن خودمان کار بکنیم نرویم سراغ اینکه بنشینیم تا حتی یک گلیمی هم که میخواهیم یک پتوئی هم که میخواهیم از آنجا بیاورند یک تفکنی هم که میخواهیم از آنجا بیاورند اگر ما به این معنا توجه نکنیم و بیدار بشویم و دنبال کاریار اراده پیش ماید که ما بخواهیم خودمان وسائل زندگی اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان باید کارهای خودمان را انجام بدهیم مدتی نمی‌کزد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد. آنهایی که این صنعت‌های بزرگ را

اینطور کند تا پائین بیاورد کم کم این در همه طبقات این انگزه رشد کرد، من مجسمه آتاباتورک را در ترکیه در آن وقتی که در آنجا تبعید بودم دیدم که مجسمه او رویه غرب بود و دستش را بالا کرده بود و انجا بنی کفتند که این علامت این است که ما هرچه باید انجام بدhem باید از غرب باشد به اصطلاح آتاباتورک یک مرد مثل روسنی، یک مرد کذائی بوده و در کشور ما هم بعضی از روشنگران با اصطلاح گفته بودند که ما باید از سرتا قدم اروپائی و انگلیسی باشیم تا بتوانیم ادامه حیات یکنیم ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم مسلمانان هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و میتوانند خودشان هم کار را انجام بدهند تا نخواهیم یک کاری را نمیتوانیم و تا بیدار نشویم نمیخواهیم ما را در غفلت و خواب نکه داشتند که ما هیچ یک از امور صنعتی را قادر بر تحقیق نیستیم، ملت ما فقط لولهای میتواند بسازد، کار دیگر ار او بر نمی آید باور کرده بود این ملت بیچاره، روی تبلیغاتی که قدرت‌های پیشرفته و بزرگ کرده بودند و تبلیغات داخلی که واستگان به آن قدرت‌ها کرده بودند به اینکه ما باید همه‌چیزمان از خارج باشد و ما باورمن آمده بود با سیاری از ما که غرب یک نژاد برتر است همانطوری که هینتر این معنا را از قراری که شنیده‌ام می‌گفته است که آلمان یک نژاد برتر است و بعضی از نویسنده‌های ما نوشته بودند که آن عملهای که در آلمان است و بیلش را دستش گرفته و لب خیابان ایستاده که برود کار یکند آن آدم چشم آبی را عقیده سیاری هست به اینکه برای اداره مملکت امثال ما از اشخاصی که در این مملکت هستند بهتر و بالاتر میتواند عمل کند. این طرز فکر ما را آنطور عقب نشانده بود که اعتقادمان بود که اصلاح از ما کاری ساخته نیست، ارتش ما اکر بخواهد ارتش بشود مستشار لازم دارد از امریکا یا از اروپا باید مستشارانی ببایند تا ارتش ما را بتوانند سروسامان بدهند. ما راجع به صنایع اصلاح نماید صحبتیش را یک ملت لوله‌کساز هستیم ما نسبت به صنایع اصلاح نباید صحبت بکنیم. این صنایع درست بعده‌های اروپائی‌ها و آمریکائی‌ها است ما تا بیدار

کار نامه رئیس جمهور



ما این توانائی را داشتیم که پیش از شروع جنگ شرایط آنرا هم از بین ببریم و امکان تجاوز را به حداقل برسانیم.

را از دشمن بگیرند باید تقویت همه جانبه بشوند و این خود موجب یک دگرگونی بنیادی دربرداشت-های عمومی آنها بگردد، و گرنه یک حس انزعجاري در این نیروها که زیر ضربات مستقيم دشمن هستند، بوجود می‌آید و علائم این انزعجار در جبهه‌ها ملاحظه می‌شود که برای سلامت جامعه ما چدرحال و چه در آینده خطربناک است.

برمن است که این هشدارها را بدhem وبرهمگان است که در صورتیکه تردید دارند در درستی این هشدارها برای درک واقعیت آنطور که هست و نه آنطور که مایلند باشد، خود به جبهه‌ها بیانند و از نزدیک واقعیتها را بیسنند.

در جبهه آبادان با فرماندهان آن جبهه مفصل صحبت شد. آنها حمله کرده بودند و دو برابر تلفاتی که تحمل کرده بودند بدشمن تلفات وارد کرده بودند، با این وجود حرفشان این بود که چرا در اتخاذ شیوه‌های جنگی نمی‌باید آن شیوه‌هایی را انتخاب کنند که به دشمن حداکثر تلافات ایجاد می‌کنند و می‌توانند با آنها مقابلاً

و فکر من اینست که هم آکنون نیز برمددم ما این حقایق روشن است. روزی مردم خوزستان از آنها که پیش از این انقلاب و پیش از این جنگ سازمان و روحیه ارتضیان را در این استان ویران کردند، خواهند پرسید که چرا این جنایت را کردند؟ و از آنها هم که در جریان این جنگ بجای کمک روی این خط عمل کردندکه، اگر ارتش پیروز بشود خطرناک می‌شود و از اینرو به تضعیف روحیه ارتضیان پرداختند، خواهند پرسید که چرا با سرنوشت کشورشان. با مردمیکه زیرگیار گلوله‌های توپ و تانک و بمب و بیهقیار داشتند، بازی کردند؟

در اینجا من از آننهاد عوت میکنم فوراً تغیر روحیه بدھند و تا دیرنشده همه به تقویت عمومی روحیه نیروهای مسلح مشغول بشوند، بلکه کمیود سلحده را با افزایش روحیه، میل به انتکار، شجاعت و پایداری جبران بکنیم. در صورتیکه بتوانیم روحیه نیروهای مسلح را بالا ببریم اصلاً لازم نیست که به حد دشمن اسلحه داشته باشیم. و این روحیه به عوامل متعدد و متغیری بستگی دارد.

تلفات بسیار وارد کنید و بدانید که قدمهای بعدی را چگونه باید پردازید. بله نسبت به آن توقع که شما با همان ضربه اول کار را تمام نکنید، کامیابی بدست نیامده است. اما دشمن برای یک عمل گاه پنج نوبت، شش نوبت حمله کرده است. ما بلحاظ صرفهجوئی زیادی که باید در امکانات نظامی خودمان بکنیم میتوانیم همان روش را در پیش بگیریم. اما میتوانیم از تجربهای که بدست میآوریم استفاده کنیم و قدم بعدی را چنان پردازیم که ضربه ما موثرتر و تلفات دشمن بزرگتر، میزان تضعیف دشمن هم بیشتر باشد و همینطور ضربهای که خودمان می‌پذیریم خیلی کمتر باشد.

از آنجا برای گفتگو با سریازانیکه در جبهه‌ها بودند به خطوط مقدم جبهه رفتیم. شب پیش ما با اتومبیل روی همین جاده بسیار حلو رفته بودیم تا جائیکه خمپاره‌های دشمن از اتومبیل ما استقبال کرد. بعداً علوم شد در تاریکی شب، از خطوط خودمان هم جلوتر رفته بودیم، البته ما به لحاظی که نمیدانستیم کجا باید برویم، رفتہ بودیم. امروز با نفریر زرهی رفتیم و به خطوط مقدم رسیدیم با سریازان سنگر به سنگر صحبت کردیم. در جنین صحبت با سریازان یک سنگر، گلوله خمپاره‌ای در همسایکی همان سنگر، خورد و چهار سریاز ما را شهید کرد و اینرا خود بچشم دیدم که تاثیرم بسیار شد و بدیهی است که دیگر دل و دماغی نماند که با سریازان خوش و بش کنیم. اما حرشهای زدیم و جوابها شنیدیم که اگر شرایط جنگی نبود در اینجا یک بیک می‌آوردم و خوانندگان ملاحظه سیکردند که اینکه یکبار گفتم بعضی‌ها هنوز خشت دوم را روی خشت اول نگذاشته می‌زنند همه را می‌زینند و کار را باز باید از سر شروع کنیم به گراف نبوده است. با اینحال حضور در جبهه‌ها اثر خود را بوجود می‌آورد و با گفت و شنود و توضیح ایهامات رفع می‌شود. وقتی یک عملیاتی انعام می‌کردد و آنطور که انتظار دارند یکدغده دشمن نابود نمی‌شود اینکه "چرا چنین شده" و "مقرض پیدا کردن" شروع می‌شود در اینجا نیز برایشان صحبت کردم و پرسیدم که شما چقدر تلفات داده‌اید؟ گفتند و گفتم دشمن چقدر تلفات داده است؟ گفتند. گفتم خوب شما راضی نیستید از اینکه به نسبتی که خودتان می‌کوئید یک به سه به دشمن تلفات وارد آورده‌اید؟ گفتند که چرا اما وقتی همه‌می‌کویند چرا ما کاری نمی‌کنیم ذر ما این نصور بوجود می‌آید که ما لاید باید یک کاری بکنیم که در همان شب اول ارتش دشمن نابود نمی‌شود تا دائم سرکوفت نشتویم؛ ما میدانیم که اگر امکاناتی

نیروهای خودمان هم حداقل خسارات و تلفات را متحمل نشوند؟ آنها میگفتند که ما چنین روشهای میتوانیم با موفقیت بکار ببریم و آزمایش ما نشان میدهد که این روش کاملاً موفق است و ما این روش را در چند نوبت و به اصرار به فرماندهی نیروهای این اطهار کردیم ولی فرماندهی نپذیرفته و دستور حمله بر قرار نداشت. برای آنها توضیح دادم که در جو سیاسی موجود با توجه به جریانهای که

نیروئی که در جبهه است در صورتیکه وسائل و ایزار خود را کافی نبیند، روحیه‌اش پائین می‌آید. در صورتیکه جوی را پشت سرخود می‌بینند که جو تحقر و بهانه‌جوئی باشد، جو شایعه‌سازی باشد، تضعیف می‌شود و این خیلی تضعیف‌کننده است. اگر این مسائل در پشت سر نباشد و بجای آن تقویت باشد، براحتی می‌شود باو گفت که دشمن اسلحه دارد، از او بگیر. اما برای اینکه نیروهای ما بده آن، جداً وقت بده و منع کن، کجا ا-

امتحان ورودی
انستیتوییه مین
کارت شرکت در امتحان ورودی بهمن ماه انتساب
بینیمین تا عصر سوم بهمن ماه در ساختمان ۲۵۹ خیابان
لطفی خان توسعه خواهد شد.
امتحان صرفاً به منظور گروه بندی داوطلبان برآمده است
اموزش به زبان انگلیسی» و شامل چهار قسم است
در ک از طریق گوش، در ک از طریق خواندن، شناخت از شخصیت گرامری.
تمام شرکت کنندگان در این امتحان - از مبتدی صفر پیشرفت تا پنجمین - نیاز داوطلب تا ۱۵ بهمن
ماه، شاخه ها و سطوح مختلف اموزش در سیمه
ایت خواهد شد.



بیکاری و بزهکاری

علی حسین
نجفی

طرف و محیط و سایر ایستاد فرد از طرف دیگر میباشد مثلاً نکی از آنها که بدنام "مکتب و اکشن اجتماعی" نام دارد، معتقد است به طور خلاصه که این و اکشن جامعه (نقاط قضاوی و امنیتی و انتظامی) است که بر پیش "بزهکار" را روی شخص میرند و بدین اینکه امام احمدی برای ارتکاب زیاده داشته باشد، او را مجرم قلمداد میکند.

در نتیجه باید ثابت که بزهکاری فقط دارای یک علت خاص نیست، بلکه علل مختلفی با هم ترکیب شده و فرد از هی سوی انحراف سوق میدهند، مثناهی علی هستند که اثرشان بیشتر بوده و نقش اساسی را در تشدید اوضاع پیش از اینکنند و هالت معنی عمل کشش و اکشن مشهود است. به موجب همین عقیده میتوان بزهکاری را جزو این علّل "معنی عمل" بیناً تشکیل کننده نام برد. به عبارت دیگر بزهکاری شخص را آماده و مصمم در ارتکاب بزرگ و به طور کلی انحراف مینماید.

در اینجا لازم بیبینیم که آمار زیر که شناسنده تعدد جنده و جرم ارتکابی در سالهای پس از بجزان اقتصادی است نظری پیش از این (منبع، پلیس قضائی بزهکاری در فرانسه)

با همانطور که مشاهده مینمایم افزایش تعداد

سال	مرگ	مرگ	سال	مرگ	مرگ
۱۹۶۹	۱	۱	۱۹۷۵	۱۹۷۵	۱۹۷۵
۱۹۷۰	۵	۱۱	۱۹۷۱	۱۶	۱۶
۱۹۷۱	۱۱	۱۲	۱۹۷۲	۱۳	۱۳
۱۹۷۲	۱۶	۱۷	۱۹۷۳	۱۷	۱۷
۱۹۷۳	۱۷	۱۷	۱۹۷۴	۱۷	۱۷
۱۹۷۴	۱۷	۱۷	۱۹۷۵	۱۷	۱۷
۱۹۷۵	۱۷	۱۷	۱۹۷۶	۱۷	۱۷
۱۹۷۶	۱۷	۱۷	۱۹۷۷	۱۷	۱۷
۱۹۷۷	۱۷	۱۷	۱۹۷۸	۱۷	۱۷
۱۹۷۸	۱۷	۱۷	۱۹۷۹	۱۷	۱۷
۱۹۷۹	۱۷	۱۷	۱۹۸۰	۱۷	۱۷
۱۹۸۱	۱۷	۱۷	۱۹۸۲	۱۷	۱۷
۱۹۸۳	۱۷	۱۷	۱۹۸۴	۱۷	۱۷
۱۹۸۵	۱۷	۱۷	۱۹۸۶	۱۷	۱۷
۱۹۸۷	۱۷	۱۷	۱۹۸۸	۱۷	۱۷
۱۹۸۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۱۹۹۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۱۹۹۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۱۹۹۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۱۹۹۷	۱۷	۱۷	۱۹۹۸	۱۷	۱۷
۱۹۹۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۲۰۰۰	۱۷	۱۷	۱۹۹۱	۱۷	۱۷
۲۰۰۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۲۰۰۲	۱۷	۱۷	۱۹۹۳	۱۷	۱۷
۲۰۰۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۲۰۰۴	۱۷	۱۷	۱۹۹۵	۱۷	۱۷
۲۰۰۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۲۰۰۶	۱۷	۱۷	۱۹۹۷	۱۷	۱۷
۲۰۰۷	۱۷	۱۷	۱۹۹۸	۱۷	۱۷
۲۰۰۸	۱۷	۱۷	۱۹۹۹	۱۷	۱۷
۲۰۰۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۲۰۱۰	۱۷	۱۷	۱۹۹۱	۱۷	۱۷
۲۰۱۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۲۰۱۲	۱۷	۱۷	۱۹۹۳	۱۷	۱۷
۲۰۱۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۲۰۱۴	۱۷	۱۷	۱۹۹۵	۱۷	۱۷
۲۰۱۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۲۰۱۶	۱۷	۱۷	۱۹۹۷	۱۷	۱۷
۲۰۱۷	۱۷	۱۷	۱۹۹۸	۱۷	۱۷
۲۰۱۸	۱۷	۱۷	۱۹۹۹	۱۷	۱۷
۲۰۱۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۲۰۲۰	۱۷	۱۷	۱۹۹۱	۱۷	۱۷
۲۰۲۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۲۰۲۲	۱۷	۱۷	۱۹۹۳	۱۷	۱۷
۲۰۲۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۲۰۲۴	۱۷	۱۷	۱۹۹۵	۱۷	۱۷
۲۰۲۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۲۰۲۶	۱۷	۱۷	۱۹۹۷	۱۷	۱۷
۲۰۲۷	۱۷	۱۷	۱۹۹۸	۱۷	۱۷
۲۰۲۸	۱۷	۱۷	۱۹۹۹	۱۷	۱۷
۲۰۲۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۲۰۳۰	۱۷	۱۷	۱۹۹۱	۱۷	۱۷
۲۰۳۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۲۰۳۲	۱۷	۱۷	۱۹۹۳	۱۷	۱۷
۲۰۳۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۲۰۳۴	۱۷	۱۷	۱۹۹۵	۱۷	۱۷
۲۰۳۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۲۰۳۶	۱۷	۱۷	۱۹۹۷	۱۷	۱۷
۲۰۳۷	۱۷	۱۷	۱۹۹۸	۱۷	۱۷
۲۰۳۸	۱۷	۱۷	۱۹۹۹	۱۷	۱۷
۲۰۳۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۲۰۴۰	۱۷	۱۷	۱۹۹۱	۱۷	۱۷
۲۰۴۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۲۰۴۲	۱۷	۱۷	۱۹۹۳	۱۷	۱۷
۲۰۴۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۲۰۴۴	۱۷	۱۷	۱۹۹۵	۱۷	۱۷
۲۰۴۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۲۰۴۶	۱۷	۱۷	۱۹۹۷	۱۷	۱۷
۲۰۴۷	۱۷	۱۷	۱۹۹۸	۱۷	۱۷
۲۰۴۸	۱۷	۱۷	۱۹۹۹	۱۷	۱۷
۲۰۴۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۲۰۵۰	۱۷	۱۷	۱۹۹۱	۱۷	۱۷
۲۰۵۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۲۰۵۲	۱۷	۱۷	۱۹۹۳	۱۷	۱۷
۲۰۵۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۲۰۵۴	۱۷	۱۷	۱۹۹۵	۱۷	۱۷
۲۰۵۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۲۰۵۶	۱۷	۱۷	۱۹۹۷	۱۷	۱۷
۲۰۵۷	۱۷	۱۷	۱۹۹۸	۱۷	۱۷
۲۰۵۸	۱۷	۱۷	۱۹۹۹	۱۷	۱۷
۲۰۵۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۲۰۶۰	۱۷	۱۷	۱۹۹۱	۱۷	۱۷
۲۰۶۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۲۰۶۲	۱۷	۱۷	۱۹۹۳	۱۷	۱۷
۲۰۶۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۲۰۶۴	۱۷	۱۷	۱۹۹۵	۱۷	۱۷
۲۰۶۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۲۰۶۶	۱۷	۱۷	۱۹۹۷	۱۷	۱۷
۲۰۶۷	۱۷	۱۷	۱۹۹۸	۱۷	۱۷
۲۰۶۸	۱۷	۱۷	۱۹۹۹	۱۷	۱۷
۲۰۶۹	۱۷	۱۷	۱۹۹۰	۱۷	۱۷
۲۰۷۰	۱۷	۱۷	۱۹۹۱	۱۷	۱۷
۲۰۷۱	۱۷	۱۷	۱۹۹۲	۱۷	۱۷
۲۰۷۲	۱۷	۱۷	۱۹۹۳	۱۷	۱۷
۲۰۷۳	۱۷	۱۷	۱۹۹۴	۱۷	۱۷
۲۰۷۴	۱۷	۱۷	۱۹۹۵	۱۷	۱۷
۲۰۷۵	۱۷	۱۷	۱۹۹۶	۱۷	۱۷
۲۰۷۶	۱۷	۱۷	۱۹۹۷	۱۷	۱۷
۲۰۷۷	۱۷	۱۷	۱۹		

بزرگداشت نششمین سالگرد وفات استاد دکتر محمد قریب

باردیگر از ملک پریان شو
آجده در روم ناید آن شو
پس عدم کردن عدم چون ارغون
کویدم انالیه راجعون
موسوی

دکتر محمد قریب پسال ۱۲۸۸ در تهران در
خانواده اصل و مذهبی بدبنا آمد، در شیعیان اصفر
از مردم گرگان بود، دوران ابتدایی را در دیستان
سیروس و متوجه را در دارالفنون گذرانید.

درسال ۱۳۵۶ شمسی جزء اولین گروه
دانشجویان ایرانی برای تحصیل در رشته پرسکی
به فرانسه رفت، در مهر اساتیدان بنام وقت و در
تحصیل طلب پرداخت نخستین ایرانی بود که در
کشور شکل انتشار ایران را مورد بحث و بررسی قرار
گرفت که در این رشته و فقهاء را در سرگردانی
اطفال و پوست به تحصیل و فقهاء داده درسال ۱۳۱۷
دکتری خود را در شیعیان ایرانی بود، دوران ابتدایی
با درجه بسیار خوب گذرانید و درسال ۱۳۱۷

استاد محمد قریب مردم مسلمان معهدی بود
که همه عمر پریار خوش را با این دو صفت گذاردند

اعتقادات دینی و رشته گرفته بود که از پروش حکم در خانواده
بدیندین رشته گرفته بود که همه بجاوای و سفر فرنگ
و از رفاقت و تحقیق در فرهنگ و تمدن گرفت که
روزبری رفع تعلق و فرقافت آن افروزه شد. آنچه دکتر

محمد قریب را شخص متمدد هوش ساز، شیار و وزارت بهداری
انتقام سریع تقدیر فراگیر و علاوه بر فراگیری قدرت
کار و استقامت در مقابله مسلکات بود و بازگردانی

بخداع و عمل به اسلام.

دکتر محمد قریب ابتدا در بیمارستان رازی و

سپس در بخش کوکان بیمارستان هزار تختخوابی که
همچنان آنرا بنام «پهلوی» ناید بکار

پرداخت. درسال ۱۳۴۷ که حسن طی کوکان
شده بود پوشکر نیز مکمل شد و مکان نمود.

درسال ۱۳۱۹ کتاب اطفال را پرداخت
درآورد که هنوز در نوع خود بیانی است و باقی

مرحوم دکتر حسن اهربی دوچنین کتاب بیان مسلکات
طب کوکان انتشار داد که بسیار جالب و موردنداشت

خانواده ایرانی و خارج از این رسمیت این انتشار
ایرانی و خارجی بود. چنانچه خود بازگردان این حسن

تپشکان کوکان ایران بود، سالیان بقای پیش کوتی
و راست اینحصار را به عده داشت، در جامعه بین-

الملی اطیاف افزایش شدند که این حسن بود و بکار نمی
باید غضیت هشت رئیس آن اختیار گردید.

مرحوم دکتر قریب سفرهای متعدد بین اسلام و مخصوص
که در آن سعادت داده بود و مکمل شد.

درآورد که این سعادت دوباره مکمل شد و مکان نمود.
استاد در اوایل بهمن سال ۱۳۵۳ عاصمی کشید.

که نسبت به داشتن و خودش و اعطا «ناید بکار

از جمادی مردم و نامی شدم
و زنما مردم بخوان سردم

مودم از حیوانی و آدم شدم
پس چه ترسم؟ کی زمده کشید

باردیگر هم پیغمرا از پسر
تبارام از ملائک بال و پسر

موجه غفلت و گناه مکنند، مرگ است و گاه انسانهای

پیدامیشوندگه عمری را با گناهی به عصیان و محضی

گذراشند و بگذارند و با گذاری تا پوسته به استخوان

گفتند نمود و لایه را گذاره سفرهای متعدد بین اسلام و مخصوص

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

که هنگز باید از این میتواند باشد، فرموده بود

